



مترجم:

Lan Neji & Nick

ادیتور: Evan & Sg~

IRISEKAI



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

گشنته، مگه نه؟
بیا بریم باهمدیگه
یه چیزی بخوریم.



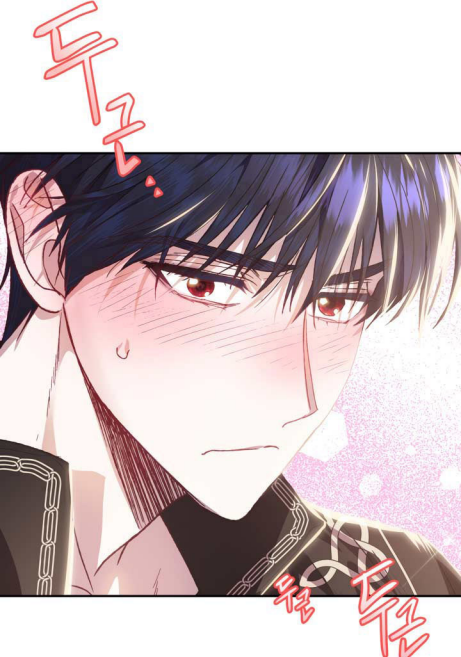
بجنب.



*گرفتن

باید حسابی چشم
انتظار غذا خوردن باشی
چون آشپزمون خیلی
بامهارته.





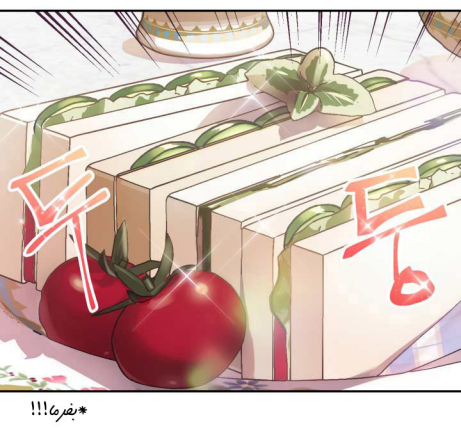
아빠, 나 이 결혼 안 할래요!

만화 · Roal 각색 · 유리

채색 · Candlebambi

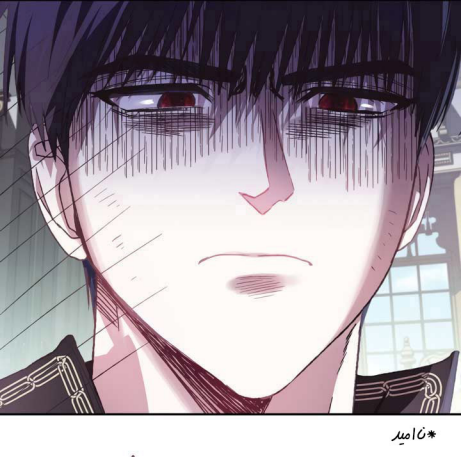
원작 · 홍희수

14



*بفرما!!!

"پاهمديگه
غذا پخورييم"
يعنى..



*نامید



یعنی با
همدیگه ساندویچ
مخیار بخوریم؟



سلام گل پر!!
من خیارمم، به کار
ازم بگیر عمو بینم.

جوونی ~

Iris
Sekai
T.mel
IrisSekai

غذایی که از خوردنش
بیشتر از همه چی متنفره..



هوم! چرا
نمیخوری؟

음!

?

*نراحت..

الان...
میخورم..



ینی باید به
کار ارزش بزنم!!

جری *

خیار (۲) *



티!

후이이!

오이

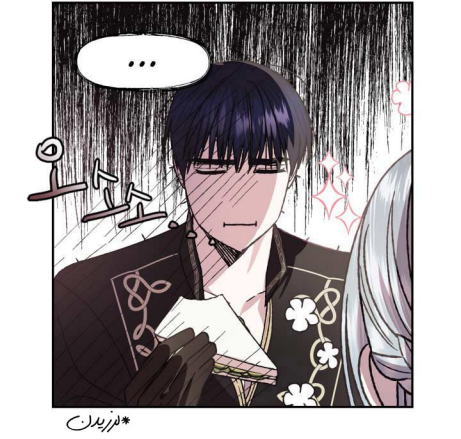
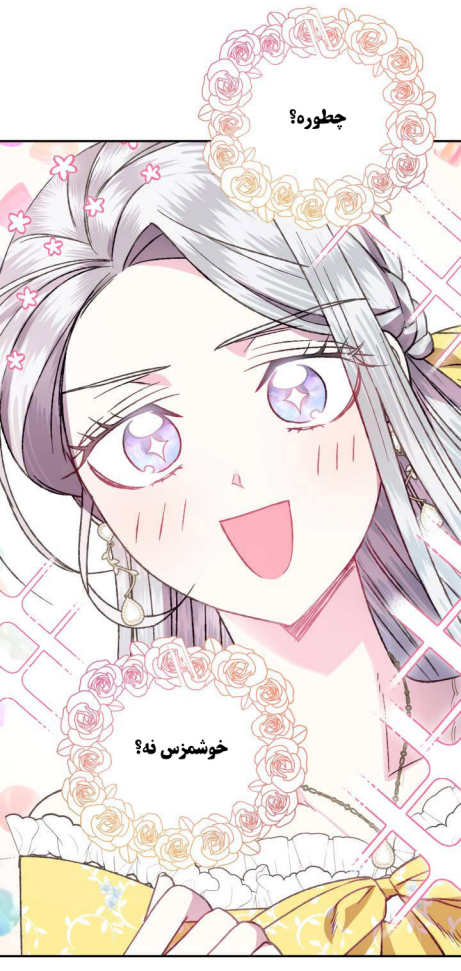
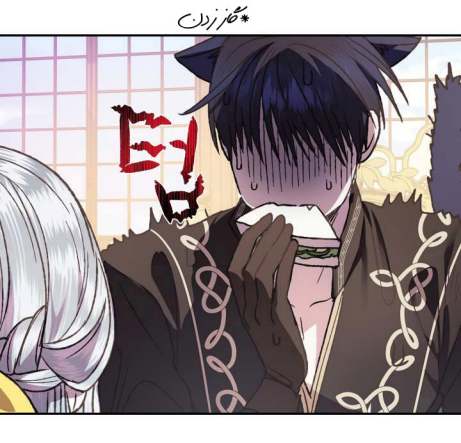
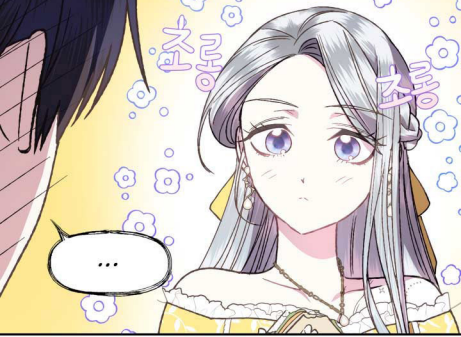
오이

부!

부!

*وشت

به خدا که نقشه
اصلیم این بود که نقطه
ضعفه معلمو از بین ببرم
و گورمو کم کنم.





*صورت دادن

*تغییر دادن سر



...دارم اینجا
چه غلطی میکنم؟



화장

*بخند زدن



خداروشکر،
میترسیدم سلیقه امو
دوست نداشته
باشی..



مزه ی خیارم...



لان نجی: این است قدرت عشق یاح یاح یاح

قصر سلطنتی
امپراطوری آشت.

آدمای زیادی
به قصر میرن و
میان.

حتی شنیدم
محافظای دوک فلون
دارن از اعلی حضرت
محافظت میکنن.

저버

저버

척!

اومدم تا
عالیجنابو ببینم..

اگه همینطوری ادامه
پیدا کنه مردم دیگه
پیشتر ازین نمیتونن
پاهش کنار بیان.



درست مثل
همون موقع...

صدراعظم
دوک الیوس.



سرورم.

هنوزم می خواین اون
ادمو به عنوان نگهبانتون
نگه دارید؟



تابلو نیست؟

عمرا سگ
شکاری وحشی
تری ازون پیدا
کنم...



۲۰ سال پیش،



امپراطوری
اشت با قلمروی
تجریا توی یه جنگ
تعام عیار بود.

همه از من
مناظرت کنن!

پادشاه جوون و
بی دفاع کاخ رو ول
کرد و پا به فرار
گذاشت.

یکی از شوالیه های
معمولی قصر، سره خود و
اونم بدون اینکه کسی
بهش دستور بده

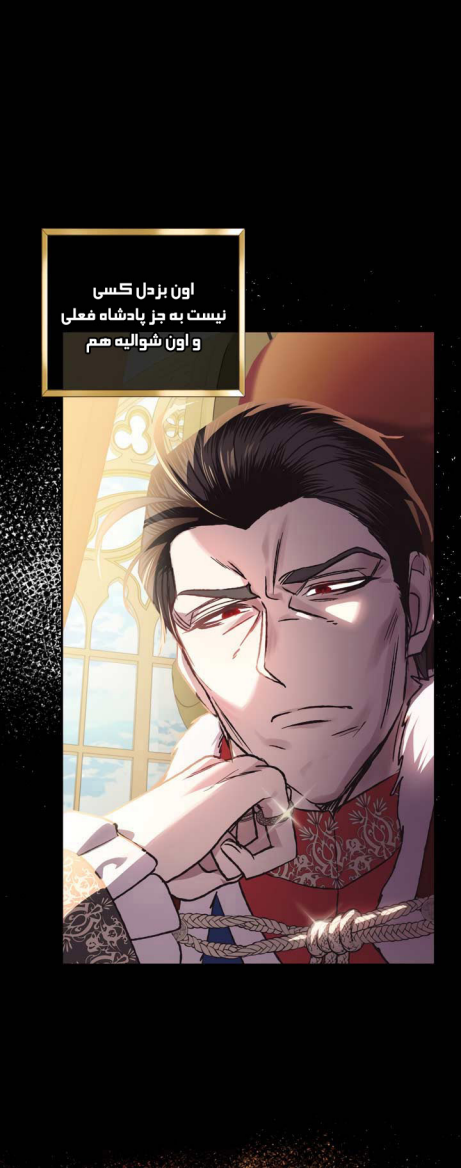


برای محافظت
از امپراطوری قد
علم کرد!



"قهرمان جنگی"
که به به "بزدل"
کمک کرد

تا پیروز بشن.



اون بزدل کسی
نیست به جز پادشاه فعلی
و اون شوالیه هم



دوک فلوینه.



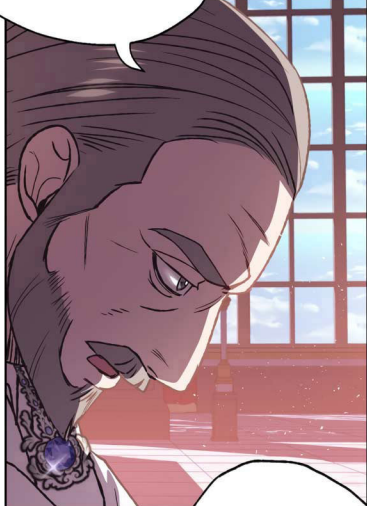
فقط بخاطر
حمایت رجیس از
پادشاه بود

که مردم پادشاهو
از تختش پایین
نکشوندن، ولی...



هنوزم اونو
به چشم یه ترسو
می بینن.

اگه روی این دستور
بی فایدتون پافشاری کنید،
مردم و دوک ازتون کینه
به دل میگیرن.



بجاش چرا
برای آدم کشه یه
تله نمی‌ذارین؟



حتی اگه اینجوریم
جلوم روترش نکنی
خودم میدونم چجوری
باید اوضاعو راست و
ریست کنم.



الان دیگه
برو دوک الیوس.

سرورم، ازونجایی که آوازه ی
کارای بده گذشتون هنوزم بین
مردم هست و عظمت و شکوه
الانتون تحت تاثیرش قرار گرفته،
اینجوری خلاص شدن از شرش
کار خوبی نیست.

اگه می خواین
دوک فلوین رو مهار
کنید باید ولیعهد رو
برگردونید.

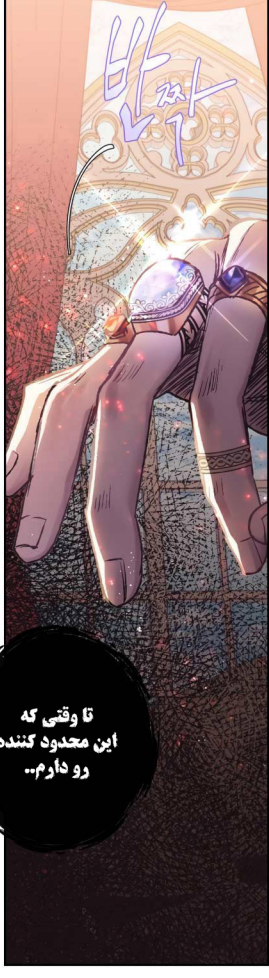


امیدوارم به
تصمیم عاقلانه
بگیرین.



باورم نمیشه
وقتی خودش هیچی
بارش نیست می
خواد به من یاد
بده...



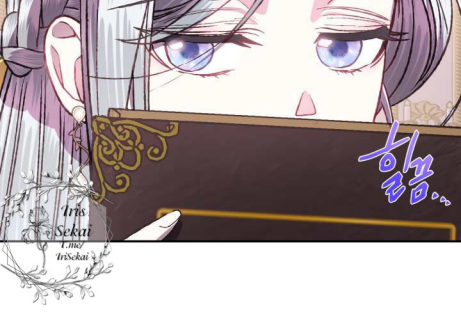


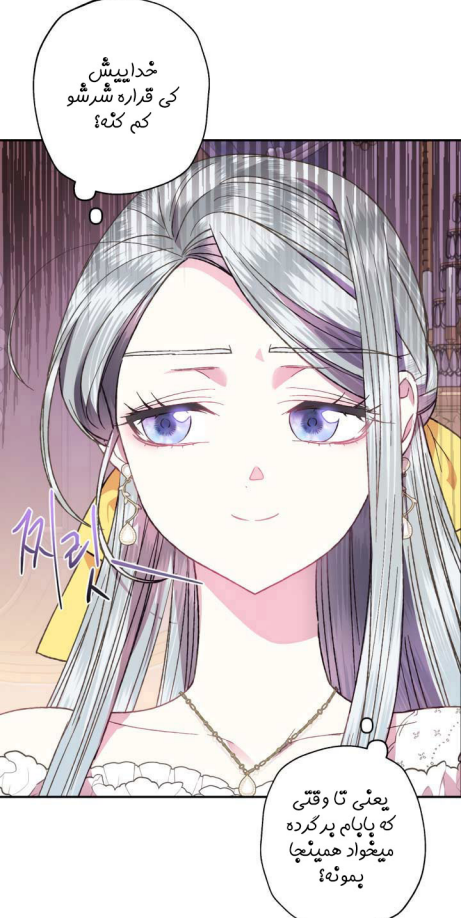
تا وقتی که
این محدود کننده
رو دارم..



نمی تونه ازم
سرپیچی کنه...









چرا بم
زل زدی؟

اه.. عه.. خب
رابطت با بابام
چجوریاس؟



رابطمون..
اونقدر ابد
نیست..

تا پلو بود.



لحن گرم و ملایمی
که هیچوقت بهم
نشونش نداده بود..



همه چیز به
جورایی عجیب و
غریب به نظر
میومد.

انگار یه نفر
دیگه شده بود..

حالا که دارم پهنش
فکر میکنم میخواستم
به پاپام اون دکه ها و
آویزشو بدم..

ببخشید.

ازو نچایی که
شاگرد پاپامه حتما
میدونه از چی خوشش
میاد مگه نه؟

우물쭈물..

반—

?



اگه میخوای
یه چیزی پرسی
پرس. بدم میاد
وقتم تلف شه.

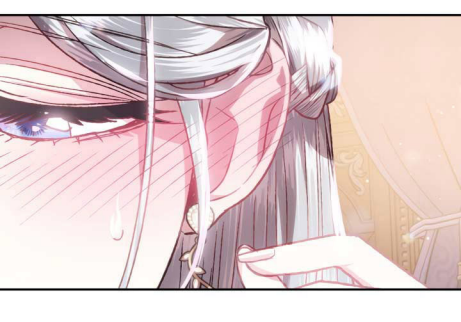
همینجوری..



نظرت راجب
هدیه دادن دکمه های
سرآستین به کسی
چیه؟



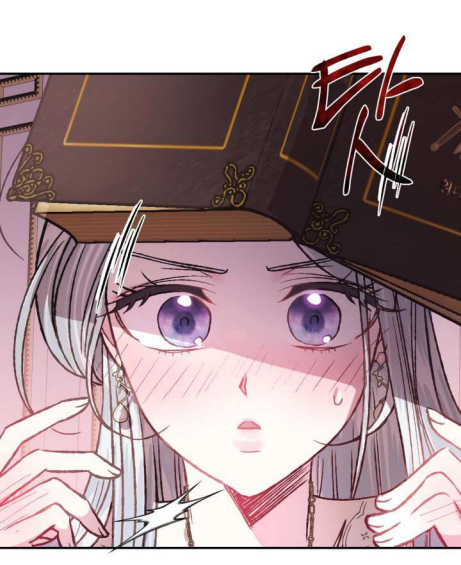
هدیه؟



نکنه پیام
ارزش متنفره..؟



چه چیز... چرا
هیچی نمیکه؟



میخواهی اونارو
به کی بدی؟!



از شما برای خوندن کامون
ممنونیم لطفا **کپی نکنین** و
بدون **ذکر منبع** کار مارو جایی نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تگراممون از ما **حمایت کنین** و کارهای
جذاب دیکمون رو هم بخونین.